



دوفصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی
گروه علوم اجتماعی-دانشگاه الزهرا
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۲۰۸-۱۸۳



مقاله پژوهشی

تحلیل روایت شناسانه زندگی شغلی کارگران ساختمانی شهر مشهد^۱

مهدی کرمانی^۲، احمدرضا اصغرپور ماسوله^۳، مرتضی دیاری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

چکیده

کارگران ساختمانی که به دلیل مهارت‌های شغلی اندک و البته رکود ساخت و سازهای شهری چالش‌های شغلی و درآمدی خاص خود را دارند بخشی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی کلان شهر مشهد را به خود اختصاص می‌دهند. این پژوهش با هدف بررسی فرآیند کارگر شدن در میان گروه‌های کارگر ساختمانی و با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل روایت، پیشینه زندگی این کارگران و عوامل منجر به کارگر ساختمانی شدن را شناسایی و در نهایت، مدل فرایندی زندگی شغلی آنها را صورت‌بندی کرده است. بر پایه نمونه‌گیری هدفمند، با ۲۰ کارگر ساختمانی که به صورت گذری و در میادین و خیابان‌های محل تجمع حضور داشتند، مصاحبه روایتی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد کارگران ساختمانی در سه دسته کلی قرار می‌گیرند؛ دسته اول، افرادی هستند که ترک تحصیل نموده و به فراگیری مهارتی خاص در کنار پدر خانواده یا فرد دیگری پرداخته‌اند. دسته دوم، شامل افرادی است که علیرغم ترک تحصیل، مهارتی را فرا نگرفته‌اند. در نهایت، سومین دسته شامل افرادی است که در کنار ادامه تحصیلات، به فراگیری مهارت در کنار خانواده پرداخته‌اند. سه نقطه عطف در بیان تجربه زیسته این کارگران معطوف به زندگی شغلی آنها عبارت است از: کارگری موروثی، بیکاری و تهی‌دستی و بحران سرپرست.

واژگان کلیدی: کارگران ساختمانی، شغل، بیکاری، محرومیت.

طبقه‌بندی موضوعی: Z130

۱. کد doi مقاله: 10.22051/IJOSED.2024.46802.1038

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول. Email: m-kermani@um.ac.ir

۳. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Email: asgharpour@um.ac.ir

۴. کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی و رفاه، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: mortezadayyaree@yahoo.com

مقدمه

مسکن از منظر اثرگذاری بر اشتغال، تولید و ایجاد پویایی و تحرک در اقتصاد ملی، ارتباط گسترده با بیش از ۱۵۰ فعالیت اقتصادی دارد. برخورداری از سهم حدود ۳۰ درصدی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور و سهم ۱۲ درصدی از ایجاد اشتغال از ویژگی‌های بارز این بخش است. مسکن سهمی حدود ۳۰ درصدی از حجم نقدینگی و مبادلات مالی و همچنین، سهم بعضاً تا ۷۰ درصدی در سبد هزینه مصرفی افراد را دارد. آمار و ارقام نیز گویای این واقعیت است که در سه دهه اخیر همواره بین ۲۰ تا ۴۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های کشور در این بخش انجام شده است. این مهم نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد مسکن در رشد تولید، اشتغال و شاخص‌های اقتصادی است. لذا نوسانات در بخش مسکن می‌تواند کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد.

بر اساس گزارش چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و شهرسازی با نگاه به تدوین برنامه هفتم (مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات زیر بنایی، ۱۴۰۱)، گردش مالی و تنوع و تعداد نیروهای انسانی که مستقیم یا غیرمستقیم درگیر صنعت ساختمان و خدمات مربوطه می‌باشند، سهم بسزایی در زندگی شغلی و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنش‌گران و بخصوص کارگران ساختمانی دارد. بنا بر نظر مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی؛ از مجموع کارگاه‌های شناسایی شده در استان ۲۵ هزار و ۲۸۸ کارگاه صنعتی، هزار و ۸۹۵ کارگاه معدنی، ۳۶ هزار و ۷۷ کارگاه ساختمانی و ۳۵۴ جایگاه سوخت است که بیشترین کارگاه‌ها مربوط به حوزه ساختمان بوده که ماهیت غیردائم نیز دارند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۳/۰۲/۱۱). در این میان، شهر مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر ایران به دلیل مشکلاتی همچون رشد روز افزون حاشیه‌نشینی، نوسازی بافت‌های فرسوده و ... با رشد روز افزون مهاجرت جویندگان کار و از جمله کارگران ساختمانی روبرو است. بنا به گفته مدیرکل دفتر اجتماعی و فرهنگی استانداری خراسان رضوی، حاشیه شهر مشهد نیز یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در ۳ هزار و ۹۰۰ هکتار سکونت‌گاه غیررسمی ساکن هستند (همشهری آنلاین، ۱۴۰۲).

بدیهی است که از تبعات مهم حاشیه‌نشینی در شهر مشهد، رشد اقتصاد زیرزمینی^۱ و آسیب‌پذیری عرضه و خدمات شهری و از جمله حوزه ساخت و ساز شهری می‌باشد و رشد کارگران غیر رسمی متقاضی کار در بخش ساختمان می‌باشد. اگر چه آمار دقیقی از تعداد کارگران این بخش در مشهد وجود ندارد، اما برخی برآوردها و آمارهای جانبی دال بر افزایش تعداد کارگران ساختمانی و چالش‌هایی از جمله بیمه آنها و تامین حمایت‌های قانونی و همچنین ساماندهی فعالیت‌های آنها می‌باشد.^۲

برای کاهش آسیب‌های معطوف به این حوزه در شهر مشهد اقدامات مختلفی انجام شده و از جمله آنها شهرداری مشهد طرح استقرار و ساماندهی کارگران ساختمانی طرحی با عنوان " ایست کار " را عملیاتی نموده و دوازده ایست کار و صدور کارت برای ۶۵۰۰ کارگر را به منصفه ظهور رسانده است (روزنامه خراسان،

1. Underground economy

۲. طبق گفته عضو شورای اسلامی شهر مشهد هم‌اکنون ۱۳ هزار کارگر ساختمانی مشهد در انتظار پوشش بیمه‌ای و مسوولان باید پیگیری این موضوع باشند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۱۲/۲۴).



۱۴۰۲). با این حال، هنوز هم به دلایلی همچون عدم تناسب سازوکار و ضوابط این ایستگاه‌ها با نیازهای کارگران و دست اندرکاران ساخت و ساز شهری و همچنین، تعارض اقتصاد غیر رسمی و زیرزمینی با شفافیت و قاعده‌پذیری اقتصاد رسمی در حوزه خدمات ساختمانی، چالش‌های متعددی پیش روی این کارگران و البته مدیران خدمات شهری وجود دارد.

یکی از مهمترین چالش‌ها به واقعیات زندگی روزمره این کارگران، نیازهای شغلی و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیست بوم آنها بر می‌گردد. سوابق پژوهشی نشان می‌دهد که موانع قانونی و غیر شفاف بودن ضوابط و معیارهای بکارگیری و تضمین حمایت‌های قانونی و اقتصادی منجر به ایجاد گروهی از کارگران ساختمانی فاقد هویت شغلی قانونی و رسمی شده‌است. در واقع، از یک سو هیچ تعریف مختصری از "کار روزانه" وجود ندارد و طبق قوانین رسمی کار، تحت پوشش قرار ندارند. این نوع کار "عموماً نانوشته و غیرقابل اجرا" است و اغلب شامل معایبی همچون "خطرات ایمنی و نبود سایر مزایای کار معمولی (از جمله مزایای مختلف مانند بیمه‌های درمانی و برنامه‌های بازنشستگی)" می‌شود (گونزالز^۱، ۲۰۰۷، ۴). از سوی دیگر و به تبع همین معضل، اساساً کار روزمزد به‌عنوان شغلی مطرح است که در آن کارگران در خیابان، سایت و ... به جست‌وجوی روزمره کار می‌شتابند (داک^۲، ۲۰۱۶). همچنین، مسئله بیکاری این کارگران که عمدتاً ناشی از تحصیلات پایین می‌باشد و همچنین، شرایط اقتصادی نامناسب و رکود اقتصادی در بخش ساخت و ساز، منجر به بیکاری کارگران ساختمانی شده است. بر این اساس، کارگران روزمزد، از آسیب‌پذیرترین و قابل مشاهده‌ترین افراد بوده و به دلیل خروج از قوانین رسمی کار، در معرض شرایط نامطلوبی همچون محیط‌های خطرناک، دستمزد پایین و سوء استفاده قرار دارند (ملندز و همکاران^۳، ۲۰۱۶). مطالعات نشان می‌دهد این گروه‌ها به لحاظ اقتصادی، کاملاً آسیب‌پذیر بوده و بخصوص کارگران مهاجر، در بخش‌های غیر رسمی مشغول به کار هستند و نسبت به کارگران بومی، به‌رغم ساعات کاری بیشتر و انجام کارهای سخت‌تر و خطرناک‌تر، از دستمزدهای کمتری برخوردارند. گروه‌های کارگری، معمولاً به صورت گروه‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند و اغلب در محل کار خود، سکونت‌گاه‌های خوابگاهی (بیشتر اتاقکی برای خواب در محل کار) دارند. از مصادیق این گروه‌ها می‌توان به کارگران ساختمانی، کارگران کارگاه‌ها، میدان‌های میوه و تره‌بار، رستوران‌ها، نانوايي‌ها، فضاهای سبز، پارک‌ها و گروه‌هایی که در میدان‌های اصلی و بر سر چهارراه‌ها تجمع می‌کنند، اشاره کرد. اینان به‌لحاظ برخوردار نبودن از تغذیه و بهداشت و مسکن مناسب، از نظر جسمی و روانی، بسیار آسیب‌پذیر هستند (مشفق و یاراحمدی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه در شهر مشهد حاشیه‌نشینی و به تبع آن، افزایش تقاضا برای ورود غیررسمی و در مواردی غیر قانونی به حوزه ساخت و ساز شهری منجر به افزایش تعداد کارگران ساختمانی شده است، می‌توان برای تبیین و تحلیل این پدیده مسائل مختلفی را در قالب یک مسئله پژوهشی صورت‌بندی کرد.

1. Gonzalez
2. Duke
3. Meléndez,etal

در پژوهش حاضر با عنایت به خلاء موجود در پیشینه پژوهش، مسئله اصلی مبتنی بر دو نکته اساسی است: اولاً: مهمترین چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی کارگران ساختمانی (مهاجر و ساکن در حاشیه شهر مشهد) از زبان خودشان و با عنایت به تجربه زیسته و معطوف به بافت و محیط زندگی و شرایط اجتماعی-اقتصادی آنها چیست؟ ثانیاً: فرایند کاربایی آنها در میدانی شهری و گذرگاه‌های کاری (به عنوان میدان و مکان عرضه و تقاضای بازار نیروی کار ساختمانی) در قالب تجربه زیسته و مبتنی بر تحلیل روایت پژوهانه چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه تجربی

در حوزه جامعه‌شناسی شهری برای تحلیل و تبیین نظری مسایل اجتماعی عرصه‌های شهری سه رویکرد غالب وجود دارد:

در رویکرد اول، که عمدتاً ناظر بر تحلیل‌های ساختاری است فضای شهری و تاثیرات آن بر پویایی‌ها و تحولات محیطی (در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) مورد توجه قرار گرفته است؛ در واقع نقطه عزیمت این تحلیل‌ها، ساختارگرایی و کارکرد گرایانه می‌باشد.

در رویکرد دوم، دست‌مایه اصلی نظریه پردازان توزیع نابرابر امکانات و فرصت‌ها و سرمایه‌هایی همچون سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف زندگی شهری و برخورداری نامتوازن ساکنان از این سرمایه‌ها می‌باشد. این رویکرد مبتنی بر رویکرد تضاد می‌باشد.

در رویکرد سوم، که بر خلاف دو رویکرد اول و دوم، عمدتاً بر تجارب زیسته و کنش‌ها و تعاملات ساکنان و معطوف به سطح خرد می‌باشد، زندگی روزمره، شبکه روابط اجتماعی، جامعه‌پذیری در محیط‌های شهری و آسیب‌ها و مسایل مرتبط با آنها مطمح نظر قرار گرفته است.

در بین نظریه پردازانی که در رویکرد اول قرار می‌گیرند می‌توان به رابرت پارک اشاره کرد. پارک اساساً به نسبت میان مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی اشاره دارد. او با طرح ایده انسان حاشیه نشین، حاشیه‌نشین را فردی امی داند که به علت ناباوری نسبت به ارزش‌ها و بیگانگی نسبت به موقعیت جدید از جامعه کناره می‌گیرد و در حالت معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند (جمشیدی‌ها و عنبری، ۱۳۸۳). از نظر پارک آنچه که نظم را در زیست شهری تحت‌الشعاع خود قرار داده است، مهاجرت گسترده بوده است. تضعیف همبستگی اولیه کارگران در نتیجه مهاجرت و احساس غریبگی در شهر جدید، خود به وجود آورنده مسائل متعددی است (کاوز، ۲۰۰۵: ۵۰۴-۵۰۵). کارگران ساختمانی اغلب به‌عنوان مهاجرانی مطرح‌اند که در حاشیه شهرها زیست می‌کنند و فضا و کالبد حاکم بر مهاجرین حاشیه نشین موجب شکل‌گیری سبک زندگی با عنوان زیست حاشیه‌ای شده است و این سبک زندگی خود سبب پدیدار آسیب‌هایی در ارتباط با گروه‌های کارگری مانند محرومیت‌های گسترده، تشدید فقر و اعتیاد بوده است.

در چهارچوب رویکرد دوم، مسایلی همچون فرایند ادغام مهاجرین در شهرها، بیگانگی از کار، کاهش انسجام اجتماعی و از این دست مسائل، به تدریج منجر به رویکردهای مکمل و از جمله رویکرد طرد

اجتماعی شده است. طرد اجتماعی اساساً یک فرآیند پویا و چندبعدی است که گروه‌های کم‌برخوردار در معرض طردشدگی قرار داشته و در این میان فقرا به‌عنوان افراد آسیب‌پذیر در نقطه اصلی طردشدگی به‌شکل طرد بلندمدت قرار دارند. گروه‌های به‌حاشیه رانده شده در مکانیسم‌هایی دچار طرد اجتماعی می‌شوند. محققان بعد اقتصادی طرد را تنها به درآمد ناکافی تقلیل نمی‌دهند؛ بدین معنا که محرومیت از داشتن زمین، مواد غذایی و کالاهای مصرفی، خود زمینه طردشدگی افراد را فراهم می‌سازد. فقر درآمدی از آن‌جایی به طرد منتهی می‌شود که سبب گسست روابط فرد با شبکه می‌شود (سیلور^۱، ۲۰۰۷، ۲). کارگران ساختمانی به‌دلیل ماهیت درآمد روزمزد و نازل، در معرض طرد اجتماعی قرار داشته و دچار گسست روابط با اطرافیان خود بوده‌اند. از سوی دیگر نابرابری‌های ساختاری و اعمال قدرت از سوی کارفرمایان در کنار محرومیت از مزایای همچون بیمه و ماهیت آسیب‌زای روزمزدی، پدید آورنده طردشدگی کارگران روزمزد و ساختمانی است (اونیل و پیرون^۲، ۲۰۰۳). در باب محرومیت‌های شغلی و طرد فرآیندمحور آسیب‌پذیران اشاره دارند که طرد اجتماعی مقدمه‌ای است بر اینکه چگونه نابرابری‌های افقی اجتماعی در شکل تبعیض‌های نژادی، مقررات نهادی، دانش‌ها و گفتمان‌های ابژه شده و فرآیندهای اجتماعی، هم‌زمان سبب محرومیت برخی گروه‌ها و افراد از حقوق مدنی، فرصت اشتغال و خدمات اجتماعی می‌شود (اونیل و پیرون، ۲۰۰۳). فرآیند طرد اجتماعی ویژگی گروه‌هاست و طبق تبیین نهادی، سه عامل اقتصاد، اجتماع و سیاست‌گذاری (تصمیم‌گیری‌های دولتی یا سیاسی که در کنش و برهم کنش با دو بعد اقتصادی و اجتماعی است) مسبب، تداوم‌بخش و یا مانع و تضعیف‌کننده فرآیند طرد گروه‌ها هستند (حمیدیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶). محرومیت‌های آموزشی، درآمدی و تشدید فقر در نتیجه رانده‌شدگی به حاشیه، منجر به پدیدار محلات کارگرنشین و روزمزد شده که در پی کسب درآمدهای حداقلی، تا سنین سالمندی به میادین کارگری مراجعه می‌کنند.

در مسیر تحولات نظری و در چهارچوب رویکرد سوم، یکی از تحولات نظری و مفهومی جدی توجه به کالبد و فضا در زیست بوم شهری و حیات اجتماعی شهرها بوده است. به باور هاروی^۳ (۲۰۰۶)، فضای مطلق یا فضای بازنمایی‌شده که آن را فضای زیسته نیز نام‌گذاری می‌کند، حس سلطه بر فضا وجود دارد. کارگران حول یکدیگر، اجتماعی از کارگری را در میادین شهر رقم زده‌اند. این سلطه کارگری بر چند معبر اصلی با احساسات خوشایندی حول یکدیگر بودن است. اساساً فضای بازنمایی‌شده همان‌طور که هاروی اشاره دارد، دربردارنده احساسات خوشایندی است که کارگران ساختمانی در آن تحت‌تاثیر ناکامی‌ها به‌دنبال امنیت هستند. فضای کارگران ساختمانی و تجمع در میادین کارگری در پی کسب معاش، مواجهه با منطق بازار و عناصر وسوسه‌برانگیز آن بوده است. هاروی، مهاجرت کارگران را به‌دلیل تجاری شدن کشاورزی از سویی و از سوی دیگر، رونق زیست شهری قلمداد می‌کند. بر پایه چنین رویکردی محیط کار فضایی است

1. Silver
2. O'Neil & Piron
3. Harvey

که حد فاصل فضای عمومی و خصوصی قرار می‌گیرد و بر خلاف فضای عمومی (ساختمانی)، محیط کار به مثابه محیط خرد و مبتنی بر تعامل کنش‌گران تعریف می‌شود (امین، ۲۰۰۲).

در پژوهش حاضر تاکید اصلی کشف و تحلیل تجارب زیسته کارگران ساختمانی با محوریت محیط‌های کاری آنها (میادین شهری) می‌باشد و به همین جهت رویکرد سوم، مبنای تحلیل و تفسیر داده‌ها قرار گرفته است.

به طور کلی، پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه کارگران ساختمانی در ایران اغلب در حوزه‌های پزشکی و مهندسی انجام شده است. در این راستا، پژوهش‌هایی با رویکرد پزشکی در بیان پیامدهای عدم رعایت استانداردهای موجود، انجام شده است. اما نکته حائز اهمیت این است که در ادبیات پژوهش، رویکرد و نگاه جامعه‌شناختی به گروه‌های کارگران ساختمانی و ریشه‌ها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و پیامدهای آن از جایگاه درخوری برخوردار نیست. در جدول ۱، خلاصه‌ای از پژوهش‌های مرتبط ارائه شده‌اند:

جدول ۱. پژوهش‌ها مرور شده

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	یافته‌ها
مشفق و یاراحمدی (۱۳۸۶)	مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیر رسمی و آسیب پذیری ناشی از آن	پیمایش	مهاجران کارگر از پایگاه‌های اجتماعی پایین و عموماً از استان‌های کمتر توسعه یافته به تهران مهاجرت کرده‌اند. این افراد از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و نیز ویژگی‌های جمعیتی در وضعیتی کاملاً آسیب‌پذیر قرار دارند. شرایط نامساعد مهاجرتی و اشتغال نامنظم در بخش غیررسمی تأثیرات منفی زیادی سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها بر جای گذاشته است. علاوه بر این، مطالعه نشان می‌دهد در افراد مورد مطالعه شاخص‌های رضایت شغلی، رضایت از زندگی، امید به آینده و وضعیت سلامتی در سطح بسیار پایینی قرار دارند.
پروین و علی بابایی (۱۳۹۲)	مطالعه جامعه شناختی گرایش کارگران مهاجر فصلی به رفتارهای پرخطر در شهر تهران	پیمایش	متغیراز خودبیگانگی اجتماعی قویترین رابطه معنادار را با میزان گرایش کارگران فصلی به رفتارهای پرخطر دارد. سه متغیر احساس فشار اجتماعی در سطح کلان، بازدارندگی اجتماعی و آثار منفی شهرنشینی، ۲۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند
پروین و همکاران (۱۳۹۳)	تجربه روزمره کارگران میوه و تره بار در شهر تهران (با تاکید بر آسیب‌های اجتماعی)	کیفی	کارگران میوه و تره بار با مسائلی مانند پایین بودن میزان دستمزد، دوری از خانواده، نبود اوقات فراغت، نبود صنف و یا سندیکای کارگری، برخوردهای تحقیرآمیز شهروندان و مشتریان، تغذیه نامناسب و فشارهای جسمی و روحی شدید مواجه‌اند
نوذری (۱۳۹۶)	تحلیل تجربه و درک کارگران از شرایط کاری: دلایل و پیامدها (مورد مطالعه: کارگران	کیفی	شرایط مادی شامل: شرایط نامناسب فیزیکی و بهداشتی محل کار؛ شرایط اجتماعی و اقتصادی شامل: حداقلی بودن مناسبات کلامی کارگر با همکاران، پایین بودن دستمزدها، مرخصی‌های حداقلی و ساعات کار طولانی باعث شده بیگانگی کارگر از روند کار، همکار، خانواده و خویشاوندان شکل بگیرد. این شرایط از نظر کارگران پیامدهایی داشته است؛ از جمله اصلت‌زدایی از کار

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	یافته‌ها
	بنگاه‌های تولیدی پوشاک کرج		مولد، تضعیف روابط خانوادگی و خویشاوند، به هم ریختگی ذهنی و خروج روزافزون کارگر از کار تولیدی. کارفرمایان شرایط اقتصادی جامعه مانند قاچاق گسترده پوشاک از خارج به داخل کشور و اجاره سنگین محل کار را علت اصلی چنین مشکلاتی برای کارگران می‌دانند.
منزل و بلومه (۲۰۱۰)	درک کارگران لاتین از خطرات ساخت و ساز	گروه کانونی	شرکت کنندگان با سیستم جبران خسارت کارگران آشنا نبودند. پیمانکاران کوچک به طور خاص باید آموزش ایمنی مؤثرتری را در زبان اسپانیایی و تجهیزات ایمنی مناسب ارائه دهند. اتحادیه‌ها باید آموزش زبان انگلیسی را با استفاده از شبیه سازی و اطلاعات بیشتر در مورد حقوق گرامت کارگران ارائه دهند
لئونگ و همکاران (۲۰۱۲)	پیشگیری از حوادث آسیب کارگران ساختمانی از طریق مدیریت استرس شخصی و عوامل استرس زای سازمانی	پیمایش	مدیریت استرس شخصی باعث شد حوادث آسیب زای رفتارهای ایمنی به حداقل برسد و رفتارهای ایمنی در صورت حضور متغیر تعدیل کننده استرس به حداکثر برسند . استرس عاطفی با ارائه آموزش و تجهیزات ایمنی نامناسب افزایش یافت
بدری و همکاران (۲۰۱۲)	خطرات ایمنی و بهداشت شغلی: در راستای ادغام در مدیریت پروژه	مرور انتقادی	اهداف، روش‌ها و نتایج مطالعات مرور شده تا حد زیادی ناهمگن هستند. همچنین، با وجود تغییر و بهبود قوانین و سیستم‌های مدیریتی بکارگیری الگوی ریسک سلامتی و بهداشت شغلی در همه حوزه‌های صنعت مرتبط با صنعت ساختمانی بصورت سیستماتیک انجام نمی‌شود.
هار و همکاران. (۲۰۱۳)	کاربرد وسایل بصری برای برقراری ارتباط سلامت و ایمنی برای کارگران ساختمانی مهاجر	مطالعه موردی	کارگران متولد خارج از اروپا (از آفریقا و هند) در مقایسه با همکارانشان که در داخل اروپا متولد شده بودند، کمتر احتمال دارد علائم هشدار دهنده رایج را به درستی شناسایی کنند. بنابراین زبان یک جنبه حیاتی است که باید در هنگام پرداختن به ایمنی کارگران مهاجر از نظر آموزش ایمنی مورد توجه قرار گیرد
ایوز و همکاران (۲۰۱۵)	تربیت کارگران ساختمانی سالم: دیدگاه آنها در مورد سلامت، رفاه و طراحی بهتر محل کار	کیفی	تشویق نیروی کار به مشاقت بیشتر تقویت و این احساس که می‌توانند در تغییر فرایندها سهیم باشند باعث می‌شود تا همه کارگران بتوانند برای مدت طولانی تری توانایی کار کردن را داشته باشند
ملندز و همکاران (۲۰۱۶)	آسیب‌های ناشی از کار روزانه کارگران: ارزیابی ریسک‌ها، انتخاب‌ها و سیاست‌ها	پیمایش و تحلیل ثانویه	سطوح بالاتر خطرات مرتبط با کار که کارگران روزمزد متحمل می‌شوند، ممکن است در صورت دریافت آموزش ایمنی مناسب از طریق یک مکان رسمی مانند یک مرکز کارگری به حداقل برسد. مراکز کارگری تنها به ۲۰ درصد از تمام کارگران روزمزد در ایالات متحده خدمت‌ارایه می‌دهند
باکلی و همکاران (۲۰۱۶)	کار و اشتغال مهاجران در بخش ساخت و ساز	مطالعه اسنادی	انتظار می‌رود بازارهای ساخت و ساز در کشورهای صنعتی و صنعتی به سرعت رشد کنند و رشد پیش‌بینی شده به ویژه در هند، چین و ایالات متحده متمرکز باشد هم در بخش‌های صنعتی دارای دستمزد بالا و وهم در بخش‌های دارای دستمزد پایین، مهاجران مهارت‌های مهم و دانش ضمنی را برای بازارهای ساخت و ساز کشورهایی که در آن کار می‌کنند به ارمغان می‌آورند

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	یافته‌ها
هالوول و یوگار آریاس (۲۰۱۶)	بررسی علل اساسی چالش‌های ایمنی که کارگران ساختمانی اسپانیایی تبار در ایالات متحده هنگام استفاده از عکس گفتار با آن مواجه هستند	گروه کانونی	روابط خانوادگی قوی‌تر و گسترده‌تر در میان کارگران اسپانیایی تبار، احتمال اینکه مسائل مربوط به خانواده باعث حواس‌پرتی در محل کار شود، را افزایش می‌دهد و آگاهی ایمنی در محل را کاهش می‌دهد
لیم و همکاران (۲۰۱۷)	تحلیل شرایط روانی کارگران میدانی در صنعت ساختمان	پیمایش	کارگران ساختمانی از سطح بالایی از استرس رنج می‌برند و تمایل زیادی برای فائق آمدن بر مشکلاتشان دارند که عمدتاً شامل: تکانشی، محتاطانه و وابستگی به سایرین می‌باشد
چان و همکاران (۲۰۱۷)	ارزیابی جو ایمنی کارگران ساختمانی اقلیت قومی در هنگ کنگ	پیمایش	کارگران مهاجر در هنگ کنگ (عمدتاً از پاکستان و نپال)، ایمنی را کمتر از کارگران بومی مهم می‌دانند.
ولتون و همکاران (۲۰۱۸)	نابرابری‌های قومیتی در مورد جو ایمنی درک شده در میان کارگران ساختمانی در گرجستان	تحلیل محتوا	نگرش نسبت به ایمنی بین کارگران مهاجر و غیر مهاجر متفاوت است. کارگران ساختمانی اسپانیایی تبار در ایالات متحده ایمنی را کمتر از کارگران بومی مهم می‌دانند.
اوسوالد و همکاران (۲۰۱۸)	بررسی چالش‌های مدیریت ایمنی برای نیروهای کار ساخت و ساز چند ملیتی: مطالعه موردی انگلستان	مطالعه موردی	مدیریت ساخت و ساز و اقتصاد مهمترین چالش‌ها عبارتند از: انطباق شرکت‌های غیر بریتانیایی با قوانین و استانداردهای بریتانیا؛ تفاوت در شیوه‌های کاری در میان کارگران غیر بریتانیایی و مدیران آنها؛ تفاوت‌های مرتبط با فرهنگ‌های ملی؛ و مشکلات رفاهی ضعیف کارگران
وو و همکاران (۲۰۱۸)	چالش‌های ایمنی و استراتژی‌های ارتقای آن در بین اقلیت قومی کارگران ساختمانی: مطالعه موردی هنگ کنگ	تحلیل نظری	به عنوان یک راهکار پیشنهاد می‌شود مدیریت بالاتر باید بجای اینکه دستورات متناقض به کارگران بدهد (از جمله اینکه همزمان بهبود ایمنی و برنامه‌های متراکم را دنبال کنند) فشار بر سرپرستان را کاهش دهد
کارواجال و همکاران (۲۰۲۱)	ارزیابی بهزیستی ذهنی کارگران ساختمانی در محیط کار	ترکیبی (کمی - کیفی)	تأثیرگذارترین ابعاد بهزیستی ذهنی کارگران ساختمانی در محیط کار عبارتست از: پاداش و شناخت، رشد و فراقکنی، حس کار و روابط بین فردی، فعالیت انجام شده، محیط فیزیکی کار و سلامت جسمی و روانی
شفلد و همکاران (۲۰۲۱)	چالش‌های موثر بر ایمنی کارگران مهاجر در صنعت ساخت و ساز: یک مطالعه کیفی در	کیفی	فشار برای نقض مقررات ایمنی در محل، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با ایمنی متفاوت به دلیل تفاوت‌های فرهنگی ملی، موانع زبانی و مسائل مربوط به آموزش (نحوه تهیه و ارائه مطالب، زبان مورد استفاده و نحوه انتقال) از مهمترین چالش‌های پیش روی این کارگران بوده است

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	یافته‌ها
	ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا		
زانگ و همکاران (۲۰۲۳)	بهزیستی کارکنان مدیر در صنایع ساختمان	تحلیل شبکه	این مطالعه نشان می‌دهد که حقوق منصفانه و کافی از نظر مرکزیت مهم‌ترین عامل است و پس از آن حقوق کافی برای نیازهای خانوادگی و شخصی و همچنین دسترسی به تجهیزات حفاظت فردی قرار دارد. رضایت شغلی و تعادل بین کار و خانواده در مرکز شبکه قرار دارد و می‌تواند بر عوامل دیگر تأثیر بگذارد.
مانگای و همکاران (۲۰۲۳)	وضعیت زندگی کارگران در صنعت ساخت و ساز: مروری سیستماتیک و تحلیل منبع شناسانه	روش مرور سیستماتیک	این مطالعه چندین مسئله حیاتی را که بر شرایط زندگی کارگران ساختمانی تأثیر می‌گذارد، آشکار می‌کند. تسهیلات نامناسب مسکن به عنوان یک نگرانی رایج ظاهر می‌شود، با اقامتگاه‌های نامرغوب اغلب منجر به خطرات سلامتی و کاهش بهره‌وری می‌شود. دستمزدهای پایین و سیستم‌های پرداخت نامنظم، بی‌ثباتی مالی را تداوم می‌بخشد و بر کیفیت کلی شرایط کار نایمن و دسترسی ناکافی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی به افزایش نرخ حوادث و خطرات بهداشت شغلی کمک می‌کند. هنجارهای فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل دادن به رفتار کارگران ساختمانی ایفا می‌کنند، به طوری که برخی از جوامع فاقد حمایت‌های قانونی لازم و سازوکارهای حمایت اجتماعی هستند.

در مجموع، پژوهش‌های انجام گرفته را در چند دسته کلی می‌توان تقسیم کرد. دسته نخست، به بررسی سبک زندگی کارگران توجه کرده و سعی در نوعی سنخ‌شناسی زیست کارگران داشته‌اند (باقیانی مقدم، ۱۳۹۲؛ مشفق، ۱۳۸۵؛ اواز و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ کارواجال-آرانگو^۲، 2021). دسته دوم، به پیامدهای پزشکی و روان‌شناختی کار در حوزه ساختمان‌سازی پرداخته‌اند (زانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۳؛ بدری و همکاران، ۲۰۱۲^۴؛ لیونگ و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ گومز سالوادو و همکاران^۶، ۲۰۲۳؛ لیم و همکاران^۷، ۲۰۱۷). دسته سوم، به جنبه مهاجرت کارگران توجه ویژه نشان داده‌اند (قاضوی، ۱۳۷۲؛ مشفق، ۱۳۸۵؛ سیناواسکایا^۸، ۲۰۱۸؛ شفرد و همکاران^۹) و در پی بررسی مسئله مهاجرت کارگران بوده‌اند. در نهایت، دسته چهارم به مطالعه طرد اجتماعی کارگران پرداخته‌اند.

1. Eaves Etal
2. Carvajal-Arango
3. Zhang et al
4. Badri et al
5. Leung et al
6. Gómez-Salgado et al
7. Lim et al
8. Siniavskaia
9. Shepherd et al

جمع‌بندی پژوهش‌های مرور شده نشان می‌دهد تفسیر و تحلیل زیست اجتماعی کارگران به استناد مطالعات کیفی و به طور اخص با رویکرد روایت پژوهانه، بخصوص در پژوهش‌های داخلی چندان مورد مذاقه و تحلیل قرار نگرفته است. ضمن اینکه در داخل کشور با قلت پژوهش‌ها جامعه‌شناختی در مورد این گروه مواجه هستیم. همچنین، تمایزات میان کارگران فصلی، کارگران ساختمانی، کارگران باربری و کارگران میوه‌و تره‌بار در برخی از پژوهش‌ها به‌درستی انجام نگرفته است. بر این اساس، مهمترین وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌ها انجام شده، تاکید بر تفسیر و تحلیل تجربه زیسته کارگران ساختمانی به روش روایت پژوهی، مواجهه محقق با مشارکت کنندگان در میدان تحقیق و میدان و مکان‌هایی است که عملاً تجربیات معطوف به ورود به بازار کار در آنجا رخ می‌دهد.

روش پژوهش

از آنجا که ویژگی‌های موضوع و ماهیت پرسش پژوهش، تعیین‌کننده تناسب بین یکی از روش‌های پژوهش مورد نظر است، برای بررسی زندگی شغلی کارگر ساختمانی و رخدادهای پیش‌از آن، از رویکرد کیفی استفاده شده است. از میان روشهای موجود در رویکرد کیفی، برای کشف فرایندهای منجر به کارگر ساختمانی شدن از روش "تحلیل روایت" استفاده شده است. بر پایه منطق تحلیل روایت، در پژوهش حاضر به جای تحلیل داده‌ها برای کشف ویژگی‌ها و ابعاد، به عمل یا تعامل پرداخته شده و آن نیز در بستر زمان بررسی شده است تا چگونگی تغییر این عمل تبیین شود و مشخص شود به رغم تغییر در شرایط ساختاری چه چیزی موجب می‌شود آن عمل به همان حال باقی بماند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱).

در تحلیل روایت پژوهانه، پژوهشگر توصیفات رویدادها یا اتفاقات را گردآوری می‌کند و آنها را به صورت یک داستان ارائه می‌دهد. یک تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، آن را توالی غیر تصادفی رخدادهای و حوادث در یک زنجیره زمانی می‌داند (طلوعی و خالقی پناه، ۱۳۸۷). در این روش، «زندگی، به منزله روایت در نظر گرفته می‌شود تا بتوان برساخت روایی واقعیت را بدون استفاده از رویه‌های گردآوری داده‌ها که مشخصاً به دنبال دستیابی به روایت‌ها هستند، تحلیل کرد» (برونر به نقل از فیلیک، ۱۳۹۱: ۳۶۸). این روش کمک می‌کند تا پیشینه زندگی این کارگران و عوامل منجر به کارگر ساختمانی شدن شناسایی شود و در نهایت، مدل فرایندی زندگی شغلی کارگر ساختمانی استخراج شود. در واقع، در تحلیل روایت پژوهانه در پژوهش حاضر هدف اصلی تحلیل فرآیند "رویداد کارگر ساختمانی شدن" می‌باشد.

در اینجا، روایت شیوه‌ای از شناخت است. همانطور که پینگر و داینس می‌گویند، روایت در مقام روش، با آن دسته از تجارب افراد آغاز می‌شود که در «داستانهای زیسته و نقل شده» مطرح کرده اند (کرسول، ۱۳۹۱). برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه روایتی استفاده شده و بر مبنای آن، کارگران ساختمانی با بیان تجربیات زیسته خود در طی زندگی و در قالب یک پیوستار زمانی که البته با هدایت مصاحبه گر محقق می‌شود، سیر تاریخی و تجربه شده زندگی خودشان را بیان کرده‌اند.

پرسش‌های اصلی مصاحبه مبتنی بر محورهای زیر بوده است:

- برای رسیدن به شغل فعلی چه مسیری را طی کرده‌اند؟



- در این مسیر، خصوصیات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مکان زندگی (محل سکونت) و دیگران مهم (خانواده، دوستان، همکاران) چه نقشی داشته‌اند؟
- نقاط عطف (مهمترین وقایع تجربه شده) در مسیر شغلی‌ایی آنها چه بوده است؟
- با عنایت به لزوم بررسی تجربیات متنوع کارگران که طبعاً زمان نقش کلیدی را ایفا می‌کند، از طرح نمونه‌گیری زمانی استفاده شده است. از آنجایی که فعالیت کارگران ساختمانی و حضور آنها در میادین محدود به زمان‌های خاصی است و تجمع آنها در طول روز متفاوت است سعی شده، در زمان‌هایی به آنها مراجعه شود که اولاً، تعداد بیشتری در دسترس باشند و ثانیاً، مشارکت کنندگان متنوع‌تر و متفاوت‌تری (جوان، میان سال و ..) حضور داشته باشند. برای مصاحبه با کارگران ساختمانی، به محل تجمع آنها در میادین مختلف شهری مشهود مراجعه گردید. در مجموع، ۱۰ منطقه مختلف که میدان اصلی تجمع ایشان بود، انتخاب و مصاحبه‌ها با ایشان انجام گردید. در میان مصاحبه شونده‌گان سعی شده است افراد با ویژگی‌های متفاوت جهت انجام مصاحبه انتخاب گردند. جامعه مورد مطالعه این تحقیق شامل مجموعه کارگران ساختمانی است که به صورت گذری در میادین و خیابان‌ها تجمع کرده‌اند که برای جمع‌آوری اطلاعات، ۲۰ نفر از این افراد بر اساس نمونه‌گیری هدفمند جهت بررسی انتخاب شده‌اند. در نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌ها با توجه به اهداف تحقیق، آگاهانه و برای پوشش دادن تمامی مسئله تحقیق، انتخاب شده‌اند. محقق به نمونه‌های جدید مراجعه می‌کند تا از تجربه‌های جدید و متفاوت برای غنای بیشتر تحقیق استفاده کند. از آنجایی که کارگران حضور منظم در میادین کارگری داشته‌اند، نحوه مراجعه به نمونه‌ها به صورت رفت و برگشتی و دایره‌ای است تا اطلاعات کسب‌شده از مشارکت‌کنندگان و ترسیم فرایند معطوف به تجربه زیسته کامل شود. گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی ادامه یافته که اشباع نظری حاصل شود. در نهایت، یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی در سه مرحله کدگذاری شده و تم‌های اصلی استخراج شده‌اند. کدگذاری در سه مرحله انجام شده است:
۱. کدهای باز (طبقه‌بندی مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه).
 ۲. کدهای محوری (ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده)
 ۳. کدگذاری انتخاب (ربط مقوله محوری به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها داده و تحلیل و تفسیر روابط بین آنها در چارچوب یک روایت).
- برای سنجش اعتبار یافته‌های حاصل از مصاحبه، روش‌های مختلفی در پژوهش‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بستگی به امکانات و نوع داده‌ها و همچنین، فرایند جمع‌آوری داده‌ها دارد. در پژوهش حاضر، از روش تاییدپذیری^۱ که به معنای کوشش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش کیفی است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱) استفاده شده است. بر اساس این روش در مراحل مختلف کد گذاری، مضامین و مقولات استخراج شده از حیث پوشش معنایی و تناسب با آنچه مدنظر مشارکت‌کننده بوده است، توسط پژوهشگران و در قالب گفتگو و جلسه مشترک گام به گام و ارسای مفهومی شده است. از آنجا که نمونه‌گیری

مورد به مورد و در راستای رسیدن به اشباع نظری انجام شده است، فرآیند اعتباربخشی به یافته‌ها نیز گام به گام و همراه با تراکم داده‌ها و کفایت آنها انجام شده است.

در هنگام انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌های میدانی، ابتدا توافق مشارکت‌کننده با توضیحاتی که برای آنها در باب محرمانگی داده‌ها و عدم افشاء مشخصات شخصی آنها ارایه شده، جلب شده است

یافته‌های پژوهش

کارگران ساختمانی در فرآیندهای مختلفی روی به شغل روزمزد آورده‌اند. نبود فرصت‌های شغلی اطمینان‌بخش و نداشتن مهارت کافی به‌منظور کسب شغل سبب شده تا جست‌وجوی روزانه کار، بخشی جدانشدنی از زیست شغلی کارگران ساختمانی باشد. در پژوهش حاضر، با کارگران ساختمانی حاضر در میادین کارگری شهر مشهد مصاحبه عمیق انجام شده است. مشارکت‌کنندگان به‌لحاظ تحصیلات، شبیه به یکدیگر بوده و اغلب از حداقل تحصیلات محروم بوده‌اند. درآمد پایین افراد دیگر ویژگی مشارکت‌کنندگان است. بررسی پیشینه کارگران ساختمانی دربردارنده این نکته است که اساساً کارگران ساختمانی از روستاها به شهر مهاجرت کرده و یا به‌شکل طولانی‌مدت در حاشیه شهر زیست می‌کنند.

جدول ۲. ویژگی‌های اصلی کارگران ساختمانی که با آن‌ها مصاحبه صورت گرفته است

ردیف	نام	محل تولد	سن	محل گذر	تعداد سال‌های کارگری ساختمانی	وضعیت تاهل
۱	ا.ر	مشهد	۲۵	فردوسی	۱۳	متاهل
۲	ر.م	سبزوار	۳۰	فردوسی	۲۰	مجرد
۳	ل.ف	ترت حیدریه	۲۲	فردوسی	۱۰	مجرد
۴	م.د	نیشابور	۴۵	فردوسی	۲۸	مطلقه
۵	ی.ر	کلات	۶۶	فردوسی	۵۰	متاهل
۶	ر.ا	نیشابور	۶۲	فکوری	۴۸	متاهل
۷	س.د	نیشابور	۴۵	فکوری	۳۵	متاهل
۸	م.ن	صالح آباد	۴۰	فکوری	۲۲	متاهل
۹	م.ج	بجنورد	۳۲	پانزده خرداد	۲۰	متاهل
۱۰	م.ی	شاندیز	۱۷	پانزده خرداد	۶ ماه	متاهل
۱۱	ر.ل	مشهد	۲۵	پانزده خرداد	۶ ماه	مجرد
۱۲	ا.د	کنگ	۲۸	پانزده خرداد	۲۰	مجرد
۱۳	م.ی	مشهد	۳۹	پانزده خرداد	۱۴	مطلقه
۱۴	م.ض	مشهد	۶۳	پانزده خرداد	۴۹	متاهل
۱۵	ج.ی	افغانستان	۶۰	پلیس راه	۴۲	متاهل
۱۶	م.ل	افغانستان	۲۵	پلیس راه	۱	مجرد
۱۷	م.ض	مشهد	۲۷	پلیس راه	۴	متاهل
۱۸	م.ذ	افغانستان	۳۶	پلیس راه	۲۸	متاهل
۱۹	ر.ع	افغانستان	۴۰	میدان امام حسین	۳۳	متاهل
۲۰	م.ج	مشهد	۴۱	میدان امام حسین	۳۲	متاهل

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. کدهای محوری و گزینشی^۱

کدهای محوری	کدهای گزینشی
کارگری موروثی	زیست حاشیه‌ای روزمره
فرومایگی منزلتی	
رکود مسکن؛ طرد کارگران ساختمانی	
مواجهه با بی‌مهارتی پسمهاجرت	مهاجرت کارگران
تشدید فقر	
انزوای کارگران	
بحران سرپرست	
ناکامان حرف	بیکاری و تهی‌دستی
ناسازگاری با روح تکنولوژیک و مدرنیته	
سالمندان چشم‌به‌راه؛ قربانیان نظام بیمه‌ای	سالمندان و معتادان رانده‌شده؛ کارگران آسیب‌پذیر
کارگران معتادان؛ طردشدگان جویای کار	

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و ذیل هرکدام از کدهای گزینشی، نشانه‌ها و مصادیق هر کدام از این کدها بر پایه متن مصاحبه‌ها ارائه شده است.

زیست حاشیه‌ای روزمره

آصف بیات، کج‌فهمی‌ها را درباره انسان حاشیه‌ای نقد کرده است. بنا به استدلال بیات، آنچه زیست‌جهان تهی‌دستان را متمایز می‌کند، نه فرهنگ ذاتی شده فقر، بلکه زندگی غیررسمی است. به نظر او دلیل زیستن در محدوده‌های حاشیه‌ای این نیست که مردم ذاتاً غیرمدرن یا ضدمدرن هستند، ضرورت بقا آن‌ها را ناگزیر می‌کند تا در جست‌وجوی شیوه غیررسمی زندگی برآیند (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۴). کارگران ساختمانی یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای کارگر شدنشان عنوان کرده‌اند، وضعیت معیشتی و اقتصاد نا بسامان خانواده آنان بوده است. بیش‌از نیمی از مشارکت‌کنندگان، متولد روستا بوده و یا در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد زیست می‌کنند. زیست حاشیه‌ای کارگران ساختمانی، نقشی جدی در محرومیت‌های اجتماعی داشته است. محرومیت از امکانات آموزشی، امکانات شهری و رفاهی امری است که در نتیجه زیست حاشیه‌ای رخ داده است. امر حاشیه‌نشینی کارگران ساختمانی، برگرفته از وضعیت مسکن و ناگزیری در زیست حاشیه‌ای است. زیست حاشیه‌ای کارگران سبب بروز رخدادهایی همچون محرومیت تحصیلی، کارگری روزمزد موروثی و به‌تبع آن محرومیت نسلی بوده است. نکته قابل توجهی که درباره زیست حاشیه‌ای کارگران وجود دارد، بیرون‌رانده شدن از مسکن به‌دلیل غیرقانونی بودن ساخت‌وساز و تغییر کاربری‌ها بوده است. در واقع، تغییر کاربری در طرح‌های تفصیلی شهرداری، محرومیت کارگران از مسکن را پدیدار و فقر و زیست حاشیه‌ای را در میان آنان تشدید کرده است.

۱. کدهای باز بصورت خلاصه در متن مقاله و در ارائه مصاحبه‌های منتخب ارائه شده است.

۱- کارگری موروثی

هاروی (۲۰۰۶) در کتاب خوانش انتقادی، از فضای زیسته‌ای سخن می‌گوید که در آن «افراد در پیروی از طبقه و هویت خود وفادار بوده و میراث محرومیت طبقاتی را به‌دوش می‌کشند. کارگران در فضای مطلق (حاشیه) به‌دنبال کسب درآمد روزمزد و حداقلی بوده و در پی فرار از موقعیت فقر، هویت کارگری را بازتولید می‌کنند. محرومیت از تحصیل به‌دلیل مشکلات مالی خانواده همراه با پیروی از سنت همراهی پدر در کار، زمینه ایجاد کارگری موروثی را فراهم ساخته است. به‌تعبیری، نظام اقتصادی خانوار دربردارنده همراهی ساختن سرپرست در کسب درآمد بوده است. این امر پیامدی ویژه مبنی بر ترک تحصیل و تقید به عامل اقتصادی بودن در خانوار مبدل شده است. در نهایت، مسیر نخست کارگری ساختمانی، زیست حاشیه‌ای بوده است. عدم اعتقاد به تحصیل فرزندان در مناطق حاشیه‌نشین و سطح نازل امکانات آموزشی مدارس حاشیه‌ای، کارگری موروثی را به‌عنوان امری تکرارپذیر محقق ساخته است. حاشیه‌نشینان کارگر به‌منظور افزایش درآمد حق‌الزحمه کارگری روزانه در ساختمان‌سازی، نه به‌صورت منفرد، بلکه با فرزندان پای به عرصه و میادین کارگری گذاشته‌اند. آغاز امر کارگری ساختمانی در نتیجه میراث خانواده در زمینه زیست حاشیه‌ای بوده است. عمده کارگران ساختمانی و روزمزد، از سنین کودکی پای به این عرصه گذاشته‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۶ «وضعیت اقتصادی خانواده اصلا مساعد نبود و مجبور بودم به پدرم کمک کنم و پدرم کشاورزی و دامداری می‌کرد»
مشارکت‌کننده شماره ۹ «بابایم هم خودش مستاجر است. وضع مالی‌مان هم صفر. اینجا (مشهد) دو سه روز که کار می‌کنیم همان را می‌دهیم به خرج پدر و مادرم در قوچان. از اول همین وضع رو داشتیم».

۲- فرومایگی منزلتی

همزمان با پیشرفت صنعت ساختمان‌سازی، تعداد کارگران مورد نیاز کاهش یافته است. اگرچه بسیاری از کارگران ساختمانی در بدو حرفه شغلی خود از درآمد قابل توجهی برخوردار بوده‌اند، اما توسعه صنعت در حوزه‌های مختلف اعم از نقاشی ساختمان، مهندسی ساختمان و در نهایت نظام پیشرفته تقسیم کار، قربانیانی جدید ساخته است. کارگران ساختمانی با تنزل شدید درآمدی و محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی مواجه شده‌اند و از سوی دیگر، بدلیل نیازهای اقتصادی مجبورند خودشان را با تقاضای محدود شغلی هماهنگ کنند و به تبع آن از سازوکارهای معطوف به تحرک شغلی و دسترسی به سایر فرصت‌های شغلی همچون تحصیلات و کسب مهارت‌های شغلی پیچیده‌تر دست بردارند؛ نتیجه این چرخه تکرار شونده، کاهش منزلت اجتماعی است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۸ «الان هی می‌گن پاشو برو شرکت خدماتی کار کن. خب می‌رم اون‌جا می‌گن تو قیافت خوب نیست یکی تو رو می‌بینه فکر می‌کنه دزدی. سواد درست و حسابی هم نداری. بهت بگه برو فلان چیز بخر آبروی ما رو می‌بری. خب من نیام سرگذر بشینم کجا برم؟»

توسعه صنعت ساختمان‌سازی امری است که با ظهور ابزارآلات پیشرفته، نیاز به حضور کارگران پرتعداد به‌مانند قبل را با سئوالی جدی مواجه کرده است. اساساً نیروهای روزمزد و تجمع‌کنندگان در میادین کارگری تا



چه میزان به مانند دهه های ۶۰ و ۷۰ امکان کارایی و کسب درآمد روزانه دارا هستند؟ عدم فراگیری مهارت و تداوم جست و جوی کار به شکل قبل، درآمد کارگران ساختمانی را به شدت کاهش داده است.

۳- رکود مسکن؛ طرد کارگران ساختمانی

رونق بازار مسکن پدیده ای همیشگی نبوده است. افزایش قیمت مصالح ساختمانی و نرخ مسکن، مانع از تداوم رونق مسکن بوده است. در شرایط حاضر، افزایش قابل ملاحظه قیمت مسکن، امری است که نیاز به حضور کارگران ساختمانی را با چالش مواجه ساخته است. در این راستا کارگران ساختمانی به دلیل کمبود تقاضا، از سوی کارفرمایان گزینش می شوند. کارگران جوان و فربه، عرصه را بر کارگران میانسال و سختی کشیده، تنگ کرده اند. مواجهه کارفرما با کارگر در میادین کارگری شهر مشهد، بیشتر شبیه به مسابقه ای در زمینه ویژگی های فیزیکی و جوانی است. این در حالی است که به گفته کارگران ساختمانی، در گذشته افراد فارغ از ویژگی های جسمانی و ظاهری، توسط کارفرما انتخاب می شده اند. نادیده انگاری کارگران میانسال و اعمال قدرت در میادین کارگری از سوی کارگران جوان، منجر به تنزل جدی درآمد کارگران ساختمانی شده است.

مشارکت کننده شماره ۲۰ «معذرت می خوام این رو می گم ولی ما چه فرقی با یک گوسفند داریم؟ یارو میاد ما رو نگاه می کنه هرکدوم چاق تر و فربه تر هست انتخاب می کنه. خب ما حیوانیم؟ چقدر باید غرورت بشکنه که بری اون جا وایسی با بدبختی»

مهاجرت کارگران

اساساً گروهی از کارگران ساختمانی، افرادی اند که از شهرهای کوچکتر و یا روستاها به شهر مشهد مهاجرت کرده اند. امکانات نازل، انحلال اقتصاد کشاورزی روستا و تمایل به حضور در یک کلانشهر به منظور کسب درآمد، مهاجرت گسترده افرادی را سبب شده که در نهایت به عنوان کارگر ساختمانی در میادین شهری حضور پیدا کرده اند. حضور در کلان شهر مشهد به قصد تامین نیازهای مالی و ارسال آن برای خانواده، پدیده ای پرتکرار در میان کارگران ساختمانی بوده است. کارگران ساختمانی امید به کسب درآمد مطلوب داشته و بدین منظور مشهد را به منظور مقصد شغلی خود گزینش کرده اند. فقدان مهارت کافی و به تبع آن عدم امکان کسب درآمد، تشدید فقر و در نهایت از دست رفتن شبکه در نتیجه حضور در کلانشهر، مهاجرت کارگران را با شکست در دستیابی به مقاصد اقتصادی مواجه ساخته است. در این قسمت به مهم ترین رخدادهای پسمهاجرت پرداخته شده است:

۱- مواجهه با بی مهارتی پسمهاجرت

در نتیجه فقدان مهارت لازم برای کسب درآمد، کارگران ساختمانی با اتکاء به مهارت های حداقلی، چاره ای جز تن دادن به امور کارگری ساختمان نداشته و پیامد این امر، فقر شدید مالی است. کارگران ساختمانی به عنوان مهاجرانی مطرح اند که در پی تلاش برای دستیابی به درآمد با بی مهارتی پسمهاجرت مواجهه پیدا کرده اند. این بی مهارتی در نهایت منجر به شکل گیری حضور در میادین کارگری روزمزد شده است.

مشارکت‌کننده شماره دوازده: « به امید کار واقعیتش اومدم مشهد. این‌جا باید به هنری داشته باشی ولی خب من مهارت اونطوری یاد ندادن بهم. فقط در حد بنایی و جابه‌جا کردن وسایل. اینم درآمدی نمی‌شه. ولی از سر مجبوری میام سرگذر وایمیستم. خدا بزرگه هرچندروز به کاری بهم بخوره».

۲- تشدید فقر

در حال حاضر دستمزد اکثر قریب به اتفاق کارگران ایرانی، بسیار نازل (یعنی در بهترین حالت در حد حداقل دستمزد رسمی) است. وقتی این مسئله مهم را در کنار واقعیت وجود شکاف معیشتی عمیق و مداوم میان حداقل دستمزدها با هزینه‌های معیشتی کارگران قرار می‌دهیم، قاعدتا باید بروز مسائل اجتماعی و اقتصادی برای کارگران را محتمل بدانیم. اولین و محتمل‌ترین مسئله ناشی از وضعیت نابه‌سامان دستمزدها، شیوع فقر فراگیر و عمومی در میان کارگران ایرانی است: در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران عملاً در فقر به‌سر می‌برند (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۲۲۰). مهاجرت کارگران تنها منجر به کاریابی و کسب درآمد نشده و افزایش هزینه‌های زندگی در پی زیست شهری، دربردارنده تشدید فقر است. افزایش قیمت مسکن سبب شده تا کارگران ساختمانی در دوره پسامهاجرت دچار فقر شدید شوند. کارگران ساختمانی که در حاشیه شهر مشهد زیست می‌کنند، امکان پس‌انداز نداشته و بخش قابل توجهی از درآمد خود را به اجاره‌بها تخصیص داده‌اند. ماهیت روزمزدی شغل کارگران ساختمانی سبب شده تا افراد توان پیشرفت اقتصادی را از دست رفته دیده و در نهایت، همزمان با بروز چالش‌های اقتصادی، فقر کارگران ساختمانی به امری تشدیدکننده مبدل شود.

مشارکت‌کننده شماره نهم « من الان حدود ۹۰۰ ماهی درمی‌ارم. ۵۰۰ دارم اجاره می‌دم. هرماه بیشتر می‌رم زیر بار قرض. پس‌انداز که بماند. نمی‌شه زندگی رو بهتر کنی. نمی‌شه جوری زندگی کنی که از پس هزینه‌ها بریایی. خدا شاهده من همش داره بیشتر بهم فشار میاد. کسی نیست به داد ما کارگرا برسه. خدا رحم کنه به ما».

۳- انزوای کارگران

کسانی که بیش‌از دیگران در معرض خطر طرد هستند، افرادی‌اند که فرصت‌های محدودی برای پیشرفت مالی دارند، همچنین تازه‌واردان به اجتماع محلی از این‌دست به حساب می‌آیند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۷۸). به حاشیه راندن کارگران ساختمانی سبب ایجاد نوعی انزوا شده که چنین امری با مهاجرت همراهی پیدا کرده است. کارگران مهاجر با گسست روابط شبکه‌ای از روستا یا شهر مبداء، دچار انزوایی شده که در آن به‌منظور بقا زیست حاشیه‌ای را تجربه می‌کنند و در آن منزوی شده‌اند. کارگران ساختمانی در نهایت، نیروی خود را در بازاری غیررسمی تحت عنوان "گذر" و "میادین کارگری" می‌فروشند. این امر با هدف فروش نیرو با قیمت بهتر و ناشی از عدم جذب در بازار کار محقق شده است. صادقی (۱۳۹۷) در تحلیل زیست روزمره تهی‌دستان حاشیه‌نشین و کارگر، به گرایش تهی‌دستان به حیات غیررسمی نسبتاً مستقل اشاره دارد (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۶۷). انزوای کارگران در حیات غیررسمی گذر، به‌منظور فروش نیرو در ازاء بقا صورت می‌گیرد. پدیدار میادین کارگری در شهر مشهد، با حضور گسترده مهاجرانی همراه است که در پی امید به فروش نیروی خود گرد یکدیگر جمع شده‌اند.



بیکاری و تهی‌دستی

یکی از انواع شغل‌های بی‌ثبات، شغل کارکنان موقت است (موقتی‌ها). این روند بیانگر تغییرات مهمی در کار است. شرکت‌ها معتقدند که بنا بر مقتضیات انعطاف‌پذیری در اقتصاد رقابتی به سرعت در حال تغییر به چنین شرایطی نیازمندند. از سوی دیگر بسیاری از کارکنان بی‌ثبات بدون وابستگی به کارفرما کار می‌کنند. کارگران ساختمانی به‌عنوان گروهی که شغل خود را از دست‌رفته دیده‌اند، پای به میادین کاریابی در حوزه کارگری ساختمانی گذاشته‌اند. اساساً حضور در معابر خیابانی و تجمع گروهی با هدف کاریابی، در نتیجه عدم توانایی کسب درآمد و بیکاری انجام می‌گیرد. بیکاری ناشی از فقدان مهارت، از دست‌رفتن شغل از سویی و از سوی دیگر بحران سرپرست سبب پدیدار تهی‌دستی در زیست کارگران ساختمانی بوده است. در این قسمت به مهم‌ترین مقوله‌های بیکاری و تهی‌دستی پرداخته خواهد شد.

۱- بحران سرپرست

پدیده بحران سرپرست در سرگذشت کارگران ساختمانی امری است که سبب لزوم کسب درآمد بوده است. بروز تهی‌دستی زود هنگام که در نتیجه بحران سرپرست رخ داده، افراد را به سمت‌وسوی کسب درآمد سوق داده و عدم توانایی در دستیابی به شغل، در نهایت منجر به حضور در میادین کارگری شده است. مرگ سرپرست، اعتیاد سرپرست و یا عدم توانایی کسب درآمد سرپرست، شرایطی را پدید آورده که در آن، کسب درآمد امری ضروری بوده است. بحران سرپرست مانع از فرصت کسب مهارت، تحصیل و انباشت سرمایه برای افراد بوده است. ماهیت روزمزدی شغل کارگران ساختمانی در مواجهه با شرایط بحرانی درآمدی بوده است. به ارث رسیدن تهی‌دستی از سویی و از سوی دیگر لزوم کسب درآمد به‌شکل روزانه شرایطی را پدید آورده که در آن افراد به‌دنبال کسب سریع درآمد در قالب روزمزد بوده‌اند.

مشارکت‌کننده شماره هفت «پدرم که به رحمت خدا رفت، یه مادر پیر موند وردست ما. شرایط جوری بود که باید هرروز پول دوا دکتر جور می‌کردم. دیگه هرروز میومدم سرگذر. تا شب پول جور کنم دارو بخرم میوه بخرم. چشم بهم زدم دیدم چندین ساله همین شده وضع من».

۲- ناکامان حرف

ناکامی در شغل قبل و رهاسازی آن به‌نوعی در مراجعه به میادین کارگری به‌منظور کسب درآمد تاثیر ویژه‌ای داشته است. بخشی از کارگران ساختمانی، ناکامان دیروز در شغل پیشین خود بوده‌اند. عدم کامیابی در شغل قبلی افراد را به جست‌وجوی کار روزمزد واداشته است. بیکاری و بحران مالی سبب شده تا حضور در میادین کارگری به‌عنوان یک استراتژی اصلی به حساب آید. از آنجایی که کسب شغل جدید نیازمند سرمایه و یا مهارت قابل ملاحظه است، کارگری ساختمانی پدیده‌ای است که در آن افراد امکان درآمدزایی با حداقل مهارت را دارا می‌باشند. پژوهش حاضر دربردارنده آن است که ناکامی در کسب درآمد شغل قبل به‌دلایل مختلف اعم از اخراج از کار، ورشکستگی، درآمد بسیار پایین، از دست دادن ابزار کسب درآمد مانند وسیله نقلیه و سایر موارد مشابه، از عوامل اصلی پرداختن به کارگری ساختمانی و گرایش به کار روزمزد بوده است.

مشارکت‌کننده شماره ۴: «من زمانی که نقاشی ساختمون می‌کردم درآمدم اوایل خوب بود بعد که ساخت‌وسازها کم شد دپگه هیچ کاری برام نمونده بود. مجبور بودم دنبال کار بگردم که پیدا نکردم. آخرش تن دادم به کارگری. هرروز پا می‌شم میام سرگذر به امید یه لقمه نون حلال»

مشارکت‌کننده شماره ۸: «شغل قبل من پیک موتوری بود. موتورم که دزدیده شد وسیله نبود باهاش کار کنم. رستوران هم گفتم یا موتور جور کن یا برو. لنگ جور کردن پونصد هزار تومن پول موندم که نتونستم موتور بخرم. الان یکساله دارم کار می‌کنم ولی جور نمی‌شه. مگه چقدر برای کارگری می‌دن؟»

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: «والله موتورم رو که ازم گرفتند پول نداشتم درش بیارم. رفتم پارکینگ نیروی انتظامی دیدم هیچی از موتور نمونده. دیگه پولی نداشتم تعمیرش کنم. بیخیال شدم اوادم شدم کارگر».

۳- ناسازگاری با روح تکنولوژیک و مدرنیته

پیشرفت قابل‌ملاحظه مشاغل با توسعه تکنولوژیکی سبب شده تا عدم‌برخورداری از تحصیلات، نوعی ناسازگاری با شرایط را فراهم آورد. در این میان کارگران ساختمانی به دلیل عدم سازگاری با مشاغل همچون کسب‌وکارهای اینترنتی، اسنپ، پیک اینترنتی و مشاغل مشابه، به‌شیوه سنتی و از طریق حضور در میادین کارگری، سعی در کسب درآمد روزانه دارند. تهی‌دستی کارگران فارغ از جنبه موروثی آن، نوعی حاشیه‌اندگی را در پی داشته که در آن افراد از فراگیری مهارت‌ها، تحصیلات و سایر لوازمی که منجر به پیشرفت شغلی می‌شود محروم بوده‌اند. در سال‌های اخیر، توسعه شبکه‌های شغلی اینترنتی مانند اسنپ، تپسی، اسنپ‌فود و دیگر برنامه‌ها، مانع از سازگاری کارگران بدون تحصیل و مهارت بوده است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «از وقتی این اسنپ گور به گور اومد ما نتونستیم خودمون رو باهاش وفق بدیم. اصلاً من گوشه پیشرفته بلد نیستم کار کنم. مدیرمون گفت یا اینارو یاد بگیر یا شرت کم. قبلاً هفته‌ای یکی دوبار می‌اومدم گذر. الان دیگه کل زندگی‌ام شده همین نشستن سر گذر»

مشارکت‌کننده شماره ۱۴: «شرایط جوری شده که اگه نتونی با اینترنت کار کنی بهت کار نمی‌دن. خب پسر من پیرمرد چطور اینارو یاد بگیرم. الان سال‌ها شغل من بنایی بوده. هرجا دنبال کار گشتم اینطوری گفتند. مجبورم آخر عمری هم بیام سرگذر مثل کل عمرم. کار جدید دیگه به خون ما نمی‌خوره»

سالمندان و معزادان رانده‌شده؛ کارگران آسیب‌پذیر

گروهی از کارگران ساختمانی، افراد آسیب‌پذیری‌اند که از مزایای شغلی همچون بیمه محروم بوده و در نهایت کار روزمزد را در سراسر زندگی خود تداوم بخشیده‌اند. از سوی دیگر، اعتیاد افراد سبب شده تا محرومیت‌های شغلی، گریبان‌گیر آنان شود و در طولانی‌مدت، حضور در میادین کارگری و جست‌وجوی روزمره کار، به‌عنوان تنها استراتژی آسیب‌پذیران قلمداد شود. در میان کارگران ساختمانی، سالمندان و معزادان از گروه‌های آسیب‌پذیری‌اند که امکان کسب درآمد از طرق دیگر را از دست رفته دیده‌اند.

۱- سالمندان چشم‌به‌راه: قربانیان نظام بیمه‌ای

محرومیت از بیمه سبب شده تا سالمندان حضوری پررنگ در میادین کارگری داشته باشند. در قالب کارگری روزمزد، امکان برخورداری از بیمه برای بسیاری از افراد وجود نداشته و کارگران به‌ناگزیر، محکوم به تداوم حضور در میادین کارگری تا سنین سالمندی بوده‌اند. کارگران سالمند، در عمل قربانیان نظام بیمه‌ای بوده که از خدمات آن محروم بوده‌اند. دشواری کارهایی در میادین کارگری برای سالمندان دوچندان بوده است. عدم انتخاب آنان از میان کارگران به‌دلیل فرسودگی جسمانی، فقر کارگران سالمند را تشدید کرده است. محرومیت از نظام بیمه‌ای همراه با تشدید فقر در سالمندی، از افراد سالمند قربانیانی ساخته است که محکوم به حضور تمام وقت به‌منظور کسب حداقل درآمد در این میادین بوده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۱۷: «من که سنی ازم گذشته و دیگه کار زیاد بهم نمی‌دن. الان خرج دوا دکتر خودم هم درنمیاد. مجبورم صبح تا شب بنشینم این‌جا بلکه یه لقمه نون بتونم ببرم خونه. اگر بیمه بودیم ما رو بیمه می‌کردن الان وضع و حال ما این نبود. خدا شاهده چقدر کار کردیم و به ما ظلم شد».

۲- کارگران معتادان؛ طردشدگان جویای کار

کارگران معتاد حاضر در میادین، طردشدگانی‌اند که در شرایط نامطلوب اقدام به جست‌وجوی درآمد کرده‌اند. دی‌هان (۱۹۹۹) نشان می‌دهد چگونه افرادی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند یا جزء اخراج‌شدگان از مدرسه هستند، ممکن است در معرض مخاطرات بیشتری همچون بیکاری یا کار در مشاغل بی‌ثبات و کم‌ارزش قرار گیرند (به نقل از فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۳۳). معتادان با قرارگیری در محل تجمع کارگران ساختمانی، حاضر به انجام کار به قیمت ارزان‌ترند؛ چرا که محصول آن، دستیابی به درآمد به منظور مصرف مواد مخدر است. عرضه نیرو به قیمت نازل نه از سر داوطلبانگی، بلکه در نتیجه طردشدگی و ناچاری صورت می‌گیرد. در نهایت یکی از گروه‌های فعال در میادین کارگری ساختمانی و روزمزد، کارگران معتادی‌اند که به این محل‌ها رانده شده‌اند. اخراج از کار قبلی، فقر شدید و گسست شبکه‌ای از عوامل ظهور کارگران معتاد در میادین کارگری بوده است. مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «از این جمعی که این‌جا هستیم، تقریباً نصف ما مصرف‌کننده هستیم. خب از همه‌جا رونده و مونده دیدیم کجا باید بریم پول دربیاریم؟ این‌جا وایمیستیم توکل بر خدا که یه نفر به ما یه کاری بسپره بتونیم شکمون رو سیر کنیم. جایی نداریم. همه مارو ول کردند. از دولت گرفته تا برادر. تنها و بی‌کس و کار این‌جا پناه میاریم که نمیریم».

اشکال پدیداری کارگری ساختمانی و روزمزد

الگوی شکل ۱ که مبتنی بر ترسیم فرایند بیکاری، انتخاب کارگی ساختمانی به مثابه فرصتی برای امتناع از بیکاری و فقر اقتصادی است، مهمترین نقاط عطف در تجربه زیسته کارگران ساختمانی را نشان می‌دهد. طبق طرح روایت پژوهی، نقاط عطف یا بخش‌های مهم فرایند با هم نسبت علی و مکانیکی ندارند بلکه نسبت آنها زمانی و البته در مواردی رفت و برگشتی است. سه نقطه عطف این فرایند عبارت است از: کارگری موروثی، بیکاری و تهی دستی و بحران سرپرست.

بحث و نتیجه گیری

در حالت کلی، سنت همراهی پدر و کارگری موروثی از سوئی و از سوی دیگر مهاجرت به کلان شهر سبب تداوم کارگری روزمزد بوده است. یافته‌ها بیانگر اهمیت ویژه بحران سرپرست، زیست حاشیه‌ای و محرومیت‌های گسترده‌ای است که سبب تشدید فقر در میان گروه‌های کارگر ساختمانی بوده است. با این وجود، مطابق با نظریه هاروی (۲۰۱۲)، منطق بازار و رونق زیست شهری و ساخت‌وسازها، به‌نوعی در افزایش مهاجرت کارگران نقش جدی ایفا کرده است. طردشدگی کارگران و به‌حاشیه راندن آنان سبب تداوم حاشیه‌نشینی کارگران و پدیدار انسان حاشیه‌ای بوده است. مطابق با پژوهش ملندز (۲۰۱۳) کارگران روزمزد با توجه به فقر درآمدی، خواهان افزایش دستمزد خود بوده و این امر سلامت آنان را تهدید می‌کند. مداخله سیاستگذاران اجتماعی به‌منظور ارتقاء ایمنی در حوزه کاری آنان بسیار ضروری بوده و آسیب‌پذیری آنان را کاهش می‌دهد. یافته‌های این پژوهش منطبق بر پژوهش‌های پروین (۱۳۹۲) و (۱۳۹۳) است که درآمد پایین، دوری از خانواده و درنهایت، زیست حاشیه‌ای و فقر گریبان‌گیر کارگران ساختمانی بوده است. همچنین مهاجرت کارگران اغلب در نتیجه فقر صورت گرفته است؛ همان‌طور که امان‌الله (۲۰۱۶) اشاره کرده است، امروزه کارگران به‌دلیل تشدید کم‌درآمدی به مهاجرت‌های گسترده‌ای روی آورده‌اند. مشفق (۱۳۸۵) در این‌راستا اشاره دارد که افراد معمولاً در گروه‌های چند نفره زندگی می‌کنند و به ندرت و به سختی به دیدار خانواده خود می‌روند. چنین امری سبب انزوای کارگران بوده و مسائل جدی برای آنان به‌بار آورده است.

مطالعه زندگی شغلی کارگران ساختمانی نشان می‌دهد افراد در مسیرهای نسبتاً مشخصی روی به کارگری ساختمانی و حضور در میادین کارگری روزمزد آورده‌اند. نخست کارگری موروثی که در آن از سنین کودکی، افراد با ترک تحصیل در میادین کارگری حضور پررنگ داشته و این فعالیت شغلی تا سال‌ها تداوم یافته است. کالایی‌سازی آموزش و افزایش هزینه‌ها در نهایت، مانع از تداوم تحصیل بوده و فقر درآمدی خانوار سبب شده تا از سنین ابتدایی، کارگری به عنصری جدانشدنی در زیست افراد بدل شود. مسیر دیگری که در میان برخی از کارگران ساختمانی مشترک بوده است، بحران سرپرست و الزام به کسب درآمد بوده است. پرداختن به کارگری روزمزد در نهایت، امری است که در مواجهه با بحران سرپرست و فقر شدید صورت پذیرفته است. مسیر مهم دیگر، مواجهه با بی‌مهارتی پسمهاجرت بوده است. ناکامی در شهرهای کوچک و روستاها افراد را به سمت‌وسوی زیست شهری سوق داده که در نهایت افراد دچار تشدید فقر و حاشیه‌نشینی شده‌اند. ناکامان حرف افرادی‌اند که اگرچه از ابتدا کارگر روزمزد و ساختمانی نبوده‌اند، اما در نتیجه ورشکستگی، رکود و عدم امکان کسب درآمد به کارگری روزمزد روی آورده‌اند. سالمندان و معتادان حاضر در میادین کارگری نیز، افرادی‌اند که در اضطرار فقر شدید، به‌دنبال رفع گرسنگی و درآمد روزانه (کارگری روزمزد) هستند. یافته‌های پژوهش حاضر، مطابق با پژوهش‌فرناندز (۲۰۱۸) کارگران ساختمانی، از افراد طردشده در حالت شدید محسوب می‌شوند. اساساً طردشدگان حاشیه‌ای اعم از کارگران، تهی‌دستان، معتادان و فقرا دچار گسست روابط با دیگران‌اند. زیرا معتقد است که حاشیه‌نشینان به‌عنوان افرادی خارج از سیستم مطرح هستند که دیگران توان درک آنان را ندارند.

تشدید فقر در نتیجه کارگری روزمزد، امری است که تحت تاثیر تنش‌های بازار و بحران اقتصادی رخ می‌دهد. امروزه کارگران ساختمانی به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی آسیب‌پذیر، فشار زیادی را در اثر حاشیه‌نشینی و درآمد نازل تجربه می‌کنند. طبق پژوهش صادقی (۱۳۹۷) جمعی از کارگران ساختمانی وجه‌آباد خطاب به فرماندار نوشته‌اند: «ما کارگران روزمزد که امیدمان فقط خداوند می‌باشد و به‌جز آن هیچ‌گونه تضمینی جهت سرکار رفتن نداریم، چندین روز است که بیکار گشته‌ایم و آب‌باریکه‌ای که به زن و بچه خودمان در این گرانی می‌بردیم از آن هم بی‌نصیب گشته‌ایم. همه اطلاع دارند که برای یک کارگر میدانی امکان سرکار رفتن در طی یک ماه، نهایت ۱۲ یا ۱۵ روزه می‌باشد که در بقیه موارد نیست» (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). چنین امری نشان‌دهنده تهی‌دستی و بیکاری و در نتیجه تداوم فقر و تشدید آن است. محرومیت از نظام بیمه‌ای سبب می‌شود تا کارگران ساختمانی با وجود فرسودگی بدنی حاد، تا سنین سالمندی در میداین کارگری حضور داشته و از بسیاری از مزایای شغلی و اجتماعی محروم باشند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد .
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته اند .
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد .
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.



References

- Abbaszadeh, M. (2011). A reflection on validity and reliability in qualitative research. *Applied Sociology (Isfahan University Humanities Research Journal)*, 23(1 (consecutive 45)), 19-34. (In Persian)
- Amin, A. (2002), "Ethnicity and the multicultural city", *Environment and Planning A*, 34(6), 959-980.
- Ashkan, & b; Mojtabi, Tehran: Negah Danesh. (In Persian)
- Badri, A; Gbodossou, A; & Nadeau, S. (2012). Occupational health and safety risks: Towards the integration into project management. *Safety science*, 50(2), 190-198.
- Baghani Moghadam, M. H; Ahram Posh, M. H; Ardian, N; & Soltani, T. (2012). Determining the status of lifestyle and factors related to it among employees and workers in Yazd city. *Occupational Medicine Quarterly*, 5(3), 87-79. (In Persian)
- Buckley, M; Zendel, A; Biggar, J; Frederiksen, L; & Wells, J. (2016). Migrant work & employment in the construction sector. *International Labor Organization*.
- Byrne, D. (2005). *EBOOK: Social Exclusion*. McGraw-Hill Education (UK).
- Caves, R. W. (2005). *Encyclopedia of the City*. Routledge.
- Chan, A. P; Javed, A. A; Wong, F. K; Hon, C. K; & Lyu, S. (2017). Evaluating the safety climate of ethnic minority construction workers in Hong Kong. *Journal of Professional Issues in Engineering Education and Practice*, 143(4), 04017006
- Carvajal-Arango, D; Vasquez-Hernandez, A; & Botero-Botero, L. F. (2021). Assessment of subjective workplace well-being of construction workers: A bottom-up approach. *Journal of Building Engineering*, 36, 102154.
- Creswell, J. d. (2011). The research method and design of choosing among the five qualitative research approaches of the translation of H. Q. P. Tahmorth, A. (In Persian)
- Desmond, M. (2016). *Evicted: Poverty and profit in the American city*. Crown.
- Duke, M. R; Bourdeau, B; & Hovey, J. D. (2010). Day laborers and occupational stress: testing the Migrant Stress Inventory with a Latino day laborer population. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 16(2), 116. *Psychology* 16 (2): 116-122.
- Eaves, S; Gyi, D. E; & Gibb, A. G. (2016). Building healthy construction workers: Their views on health, wellbeing and better workplace design. *Applied ergonomics*, 54, 10-18.
- Fernández, M. (2018). Hanging Out Together, Surviving on Your Own: The Precarious Communities of Day Laborers. *Journal of Contemporary Ethnography*, 47(6), 865-887.
- Firouzabadi, S. A. & Sadeghi, A. (2012). *Social exclusion: a sociological approach to deprivation (conceptual review, theoretical perspectives and case studies in Iran)*, Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Gómez-Salgado C, Camacho-Vega JC, Gómez-Salgado J, García-Iglesias JJ, Fagundo-Rivera J, Allande-Cussó R, Martín-Pereira J, Ruiz-Frutos C. (2023). Stress, fear, and anxiety among construction workers: a systematic review. *Front Public Health*.13(11), 22-69.
- Gonzalez, A. (2007) "Day Labor in the Golden State. Public Policy Institute of California", California Economic Policy.

Green, M; & Hulme, D. (2005). From correlates and characteristics to causes: thinking about poverty from a chronic poverty perspective. *World Development*, 33(6), 867-879.

Hamidian, A; Zahedi, M. J; Maleki, A; Ansari, I. (2014). Investigating the relationship between socio-economic inequalities and social exclusion of groups in the metropolis of Isfahan. *Contemporary Sociological Researches*, 4(6), 1-32. (In Persian) Hamshahri Online (1402): <https://www.hamshahrionline.ir>. In Persian.

Hasan, M. M. (2019). *Political economy of poverty in the haor region of Bangladesh* (Doctoral dissertation, University of Dhaka).

Hallowell, M. R; & Yugar-Arias, I. F. (2016). Exploring fundamental causes of safety challenges faced by Hispanic construction workers in the US using photovoice. *Safety science*, 82, 199-211.

Hare, B; Cameron, I; Real, K. J; & Maloney, W. F. (2013). Exploratory case study of pictorial aids for communicating health and safety for migrant construction workers. *Journal of construction engineering and management*, 139(7), 818-825.

Harvey, D. (2006): *A Critical Reader*, Edited by Noel Castree and Derek Gregory, Blackwell

Harvey, D. (2012): *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*, Verso, London, New York.

Islamic Republic News Agency (11/02/1403): <https://www.irna.ir/news>

Islamic Republic News Agency, 12/24/1400): <https://www.irna.ir/news>

Khorasan Newspaper. (11/23/1402) <http://khorasanrazavi.khorasannews.com/Newspaper>

Kong, L; Li, H; Yu, Y; Luo, H; Skitmore, M; & Antwi-Afari, M. F. (2018). Quantifying the physical intensity of construction workers, a mechanical energy approach. *Advanced Engineering Informatics*, 38, 404-419.

Leung, M. Y; Chan, I. Y. S; & Yu, J. (2012). Preventing construction worker injury incidents through the management of personal stress and organizational stressors. *Accident Analysis & Prevention*, 48, 156-166.

Li, S; Wu, X; Wang, X; & Hu, S. (2020). Relationship between social capital, safety competency, and safety behaviors of construction workers. *Journal of construction engineering and management*, 146(6), 04020059.

Mangai, D. R; Isa, R. B; & Bello, A. O. (2023). Living Condition of Workers in the Construction Industry: A Systematic Literature Review and Bibliometric Analysis. *International Mediterranean Scientific Research and Innovation Congress*, Turkey

Majlis Research Center, Substructure Studies Office (2022), report on investment challenges in the housing and urban development sector with a view to developing the 7th plan. (In Persian)

Meléndez, E; Anne Visser, M; Valenzuela Jr, A; & Theodore, N. (2016). Day Laborer's Work-Related Injuries: An Assessment of Risks, Choices, and Policies. *International Migration*, 54(3), 5-19.

Menzel, N. N; & Gutierrez, A. P. (2010). Latino worker perceptions of construction risks. *American journal of industrial medicine*, 53(2), 179-187.

Monteiro, E; & Joseph, J. (2023). A review on the impact of Workplace Culture on Employee Mental Health and Well-Being. *International Journal of Case Studies in Business, IT and Education (IJCSBE)*, 7(2), 291-317.

Muffels, R and Fouarge D. (2001) Social Exclusion and Poverty: Definition, Public Debate and Empirical Evidence in the Netherlands. In *Social exclusion and European policy*, edited by Mayes D.G; Berghman J. and Salais R. Northampton, MA: Edward Elgar, 4(12). 93-124

Mushfiq, M; and Yarahamdi, A. (1386). Labor migration, employment in the informal labor market and the resulting vulnerability. *Journal of the Iranian Demographic Society*, 3(2), 149-162. Art, Culture and Communication Research Institute. (In Persian)

Nowzari, H. (2016). Analysis of workers' experience and understanding of working conditions: reasons and consequences (case study: Karaj garment manufacturing workers). *Welfare Planning and Social Development*, 8(31), 231-262. (In Persian)

O'Neil, T; & Piron, L. H. (2003). Rights-based approaches to tackling discrimination and horizontal inequality. *Background paper for the Inequality in Middle Income Countries Study, London: Overseas Development Institute*.

Oswald, D; Sherratt, F; Smith, S. D; & Hallowell, M. R. (2018). Exploring safety management challenges for multi-national construction workforces: a UK case study. *Construction management and economics*, 36(5), 291-301.

Parvin, S; & Ali Babaei, Y. (2012). Sociological study of the tendency of seasonal migrant workers towards high-risk behaviors in Tehran. *Rural Development*, 5(1).183-195. (In Persian)

Parvin, S; Kalantari, A; & Safari, M. R. (2013). The daily experience of fruit and vegetable fields workers in Tehran (with an emphasis on social harms, *Social Work Research*, 1(1), 173-206. (In Persian)

Qazivi, M; & Maqsoodi, M. (1993). An anthropological study about the causes of migration and the working and living conditions of some (seasonal) construction workers in Tehran. *Nagha Danesh*, 8 (31); 2-20

Richardson, C. (2001). *Relative Deprivation Theory in Terrorism: a study of Higher Education and Unemployment as Predictors of Terrorism*. Senior Honors Thesis Professor Michael Gillin, Polirics Department, New York University.

Shepherd, R; Lorente, L; Vignoli, M; Nielsen, K; & Peiró, J. M. (2021). Challenges influencing the safety of migrant workers in the construction industry: A qualitative study in Italy, Spain, and the UK. *Safety science*, 142910), 15-38.

Silver, H. (2007), The process of social exclusion: the dynamics of an evolving concept, Department of Sociology, Brown University, Providence, Rhode Island, USA

Siniavskaia, N. (2018). Immigrant workers in the construction labor force. *NAHB Economics*.

Steel, K. C; Fernandez-Esquer, M. E; Atkinson, J. S; & Taylor, W. C. (2018). Exploring relationships among social integration, social isolation, self-rated health, and demographics among Latino day laborers. *Ethnicity & Health*, 23(4), 425-441.

Strauss, C. (2011). Fundamentals of Qualitative Research (techniques and stages of production of grounded theory) (translated by A. Afshar. Tehran: Nei Publishing House. (In Persian)

Toloui, V; & Khaliq Panah, K. (1387). Narratology and narrative analysis. Reading, (9), 45-51. (In Persian)

Welton, M; DeJoy, D; Castellanos, M. E; Ebell, M; Shen, Y; & Robb, S. (2018). Ethnic disparities of perceived safety climate among construction workers in Georgia, 2015. *Journal of racial and ethnic health disparities*, 5, 522-529.

Wong, T. W. (1994). Occupational injuries among construction workers in Hong Kong. *Occup Med (Lond)*, 44(5), 247-252.

Wu, C; Luo, X; Wang, T; Wang, Y; & Sapkota, B. (2018). Safety challenges and improvement strategies of ethnic minority construction workers: a case study in Hong Kong. *International journal of occupational safety and ergonomics*. 4(11).22-41

Yet, as Vignoliet al. (2021) argue, nontechnical skills such as communicating about safety hazards, working as a team to foster a sense of collective safety ,and being aware of hazardous situations, are vital for migrant worker safety.14(1),2-16.

Zhang, Y; Li, Y; Xue, X; Dou, Y; & Zhang, R. (2023). Network analysis of well-being of managerial employees in the construction industry. *Journal of Building Engineering*, 80, 108011.

Zibra, M. (2015), Sociological theories of social exclusions, translated by Seyyed Hasan Hosseini, Tehran. (In Persian)

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

